



علی مجتبی‌زاده

مقابله جمهوری اسلامی با آمریکا به‌دلیل روحیه استکباری و تجاوزطلبانه این کشور و نادیده گرفتن حقوق سایر کشورها از جمله ایران و واکنشی به رفتارهای آنهاست. نگاهی به فهرست بلند دشمنی‌ها و جنایت‌های آمریکا در کشور ما به‌خوبی بیان‌گر روحیه استکباری و سلطه‌جویانه این کشور است و عزت و شرافت ملی و دینی ما اجازه نمی‌دهد که در برابر کشوری که حقوق ما را نادیده گرفته و احترامی برای ما قایل نیست، تسلیم شویم.

جمهوری اسلامی در راستای رویکرد منطقی خود، بارها بر این مسئله تأکید کرده است که آماده برقراری رابطه با همه کشورها بر اساس احترام متقابل است و آمریکا نیز، اگر به دنبال برقراری رابطه و عادی‌سازی آن است، باید به حقوق کشورمان احترام بگذارد و از موضع بالا و با تکبر با کشور ما سخن نگوید.

به‌خلافه کردن استکبارستیزی در مقابله با دشمنان و توجه نکردن به افزایش توانمندی و قدرت و توان کشور در عرصه‌ای مختلف برای مصون‌سازی و تاب‌آوری در برابر تهدیدها و فشارهای ظالمانه، می‌تواند مصداق استکبارستیزی ناقص باشد؛ اما جمهوری اسلامی در سایه رهبری و تدابیر هوشمندانه مقام معظم رهبری افزایش قدرت و توانمندی در همه عرصه‌ها را مورد توجه قرار داده است و به استکبارستیزی صرف نپردازته است.

همان‌گونه که مقام معظم رهبری تصریح فرمودند: «همه ما این را هم بدانیم که دشمنی [آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار]، موسمی و فصلی نیست؛ این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتوانند ضربه بزنند، می‌زنند. عجلایش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند؛ وَاَلَا دشمنی او دشمنی ذاتی است. اینکه بعضی خیال کنند که اگر چنانچه ما یک قدم عقب رفتیم، یک کمی کوتاه آمدیم، آمریکایی‌ها دست از دشمنی برمی‌دارند، بسیار خطاست؛ این فکر خطای فاحشی است. اینکه بعضی فکر کنند و می‌گویند و در روزنامه می‌نویسند، شما کاری نکنید که آمریکا عصبانی شود، این درست نقطه مقابل فرمایش پروردگار عالم در قرآن است.»

قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَدَى وَلَئِنْ اهْتِغَتْ أَهْوَاهُمْ بَعْدَ أَلْوَىٰ جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ هرگز بیهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد؛ مگر آنکه از آیین آنها پیروی کنی. راهی که خدا بنماید، به‌یقین راه حق تنها همان است و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی، بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یآوری نخواهی داشت. «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَزُوْكَمَ غَيْرُ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَفْظَعُوا؛» و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند.

حضرت امام ﷺ عمق کینه و دشمنی دشمنان نظام را این‌گونه تبیین فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما راقبول دارند؟ به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همه‌ویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به‌گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند؛ مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین ﷺ را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است، جهان‌خواران او را به‌عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند، ما نوکر؛ آنها ابرقدرت باشند، ما ضعیف؛ آنها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی.»

تا زمانی که هویت اسلامی و دینی نظام جمهوری اسلامی وجود داشته باشد و ماهیت حق‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه آن دوام داشته باشد و در مسیر استقلال و پیشرفت گام بردارد، دشمنی آمریکا نیز با جمهوری اسلامی تاووم خواهد داشت و یگانه راه مقابله با این دشمنی، ایستادگی و پافشاری بر اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ارتقای اقتدار ملی در همه زمینه‌هاست.

ایستادگی در برابر دشمنی که اصرار به ادامه دشمنی داشته و به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی راضی نمی‌شود، مصداق عزتمندی و ایستادگی برای حفظ ارزش‌هاست؛ نه استکبارستیزی افراطی.

اصل استکبارستیزی بر مبانی عقلی و دینی استوار است و مقابله با ظلم و استکبارستیزی در جوهره اسلام ناب و هویت تشیع نهفته است.

تکلیف و شرعی بودن استکبارستیزی

ایجاب می‌کند که منوط به خواست و رضایت

مردم نباشد. آموزه‌های دین در گروی خواست

و رضایت مردم نیست که اگر مردم نخواستند

حکومت اسلامی از مسئولیت الهی خود سر باز زند.

گرچه مردم با خواست و همراهی خود زمینه

مقبولیت و برپایی حکومت اسلامی را ایجاد می‌کنند

و بدون خواست آنان، حکومت دینی فعلیت

پیدا نکرده و تحقق خواهد یافت؛ اما این

بدان معنا نیست که اگر مردم روزی خواستند

چنین تکلیفی از دوش حکومت اسلامی برداشته می‌شود.

چنین تصویری از حکومت دینی، تصویری سکولار

از حکومت اسلامی است که با ماهیت دینی آن

در تعارض است. اگر آموزه‌های دینی را منوط به

خواست و رضایت مردم بدانیم، اگر مردم روزی نخواستند

باید دست از اصول و ارزش‌های اسلامی برداریم

آیا با چنین رویکردی چیزی از حکومت اسلامی

باقی خواهند ماند؟

۳. استکبارستیزی عامل استضعاف، فقر و فلاکت و عقب‌ماندگی جامعه نمی‌شود؛ بلکه عمل نکردن به مسئولیت‌ها و وظایف، نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بومی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، ضعف مدیریت-ها، ضعف روحیه خودباوری و جهادی، سستی و دادا‌دگی و... موجب عقب‌ماندگی و مشکلات یک جامعه است. اگر به‌راستی استکبارستیزی عامل عقب‌ماندگی و استضعاف است، دستاوردهای خیره‌کننده در بخش‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوافضا، الکترونیک، صنعتی، هسته‌ای و نظامی که با وجود همه تحریم‌ها و فشارها به دست جوانان این مرز و بوم رقم خورده است و کشور ما را در این حوزه‌ها در میان چند کشور برتر دنیا قرار داده است، نشان‌گر چیست؟ نباید تصور کرد که تنها مقاومت و مقابله با استکبار و سلطه‌گری آن هزینه دارد و کنار آمدن و سازش با آن، هزینه‌ای نداشته و موجب بهبود وضعیت کشور خواهد شد. تجربه کشورهای سازشگر همچون سرنوشت لیبی قذافی، کشورهای عربی، ایران دوره پهلوی و... نشان از هزینه گزاف سازش دارد که هویت و عزت این کشورها را از بین برده و آنان را تا حافظ منافع غرب و گاو شیرده نزل خواهد داد.

۴. با توجه به استمرار دشمنی نظام سلطه به رهبری آمریکا با جمهوری اسلامی و حجم گسترده این دشمنی در قالب انواع جنگ سخت، نیمه‌سخت و نرم و به‌کارگیری همه ابزارها و شیوه‌ها، استکبارستیزی جمهوری اسلامی را نمی‌توان افراطی دانست.

دشمنی آمریکا و نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی، استکبارستیزانه و استقلال‌طلبانه آن است و آنها به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی راضی نمی‌شوند و این‌گونه نیست که با عقب‌نشینی و دست برداشتن از یک مسئله، دشمنی آنان با نظام تمام شود؛ از این‌رو در مسئله انرژی هسته‌ای شاهد بودیم که وقتی با مذاکرات و برجام این بهانه از دست آنها خارج شد، بهانه‌های دیگری همچون حقوق بشر، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای در دستور کار آنان قرار گرفت و به‌زیاده‌خواهی پرداختند. دشمنی استکبار جهانی با نظام جمهوری اسلامی، مصداق این کلام الهی است «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ

با وجود مبانی و آموزه‌های روشن اسلام بر نفی سلطه و مقابله با مستکبران و دشمنی آشکار نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی از آغاز شکل‌گیری تا به امروز، عده‌ای که خود دچار تردید و سستی شده و از آموزه‌های دینی بریده‌اند، به تشکیک در آن پرداخته و با افراطی خواندن استکبارستیزی نظام و نفی آن در آموزه‌های اسلام و تشیع، آن را متأثر از آموزه‌های چپ مارکسیستی و یا فرقه زیدی انگاشته‌اند و یا با پذیرش استکبارستیزی به‌عنوان تکلیف شرعی، آن را منوط به خواست و رضایت مردم دانسته‌اند و یا استکبارستیزی را عامل استضعاف و فقر و عقب‌ماندگی جامعه معرفی نموده و آن را غیرعقلی و غیرشرعی برشمرده‌اند.

در چند محور به بررسی ابعاد این مسئله می‌پردازیم.

• ۱. اصل استکبارستیزی بر مبانی عقلی و دینی استوار است. از منظر عقلی دفاع از عزت، آزادی، امنیت و استقلال، فارغ از هر دین و آیینی یک ضرورت و ارزش انسانی محسوب می‌گردد و عقل اجازه نمی‌دهد که انسان به‌دلیل زیاده‌خواهی عده‌ای، از حقوق خود محروم شود و به آن تن دهد. پذیرش زورگرایی و ذلت، بر خلاف کرامت و آزادی انسان است و زندگی بدون عزت و تحت ظلم از منظر عقلی، زندگی شایسته انسانی نخواهد بود. اگر اجازه زورگرایی و زیاده‌خواهی داده شود و در برابر آن ایستادگی صورت نگیرد، هویت انسانی خدشه‌دار شده و نظام انسانی از نظامی عادلانه به نظامی ظالمانه تبدیل خواهد شد.

علاوه بر مبانی عقلی، آموزه‌های دینی نیز مسلمانان را به مقابله با ظالمان و استکبارستیزی فرا خوانده است. در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ و پیروان ایشان، ظلم‌ستیزی و برخورد شدید با دشمنان معرفی شده است «محمد رسول‌الله والذین معه أشدّاء علی الکُفّار حُرّمَاءُ بَیْنَهُمْ؟» محمّد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

دستور مقاتله با پیشوایان کفر و کسانی که به جنگ با مسلمانان می‌پردازند و نهی از رابطه با دشمنان اسلام و کسانی که در دین با مسلمانان به جنگ برخاسته‌اند بیان‌گر این اصل دینی است. عزت و کرامت مسلمانان و جامعه اسلامی در نزد خداوند تا جایی است که اجازه تسلط کافران بر مؤمنان را در هیچ عرصه‌ای نداده، می‌فرماید: «وَلَنِيْعِلَّ اللهُ لِّلْكَافِرِينَ عَلٰی الْمُؤْمِنِينَ سَبِيْلاً»؛ و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلّط باز نخواهد نمود.

امیر مؤمنان ﷺ یکی از دلایل پذیرفتن حکومت را مقابله با ظالمان عنوان نموده، می‌فرماید: «اما والذی فلق الحبة وبرّ النسمة لولا حضور الحاضر وقيام الحجة بوجود الناصر وما اخذالله علی العلماء ان لا یقاوا علی قطفه ظالم ولاسبغ مظلوم لآلئیت حبلها علی غاربها ولسقیمت آخرها بکأس اولها؟ سوگند به کسی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید! اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان خاموشی نگزینند، افسار حکومت را بر گردنش می‌افکنم» و رهایش می‌کردم و در پایان با آن، همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم.»

اهمیت مقابله با ظالمان و مستکبران و حمایت از مظلومان در سیره حضرت به‌گونه‌ای است که به‌عنوان یکی از محورهای وصیت‌های ایشان مطرح شده است.

سیره پیامبر اکرم ﷺ و معصومین ﷺ فشارها و جنگ‌های کفار با پیامبر اکرم ﷺ، مبارزه امیر مؤمنان و امام حسن ﷺ با معاویه و قیام امام حسین ﷺ و مقابله سایر ائمه ﷺ به فراخور شرایط با طاغوت زمان خویش که منجر به شهادت آن بزرگواران گردید، همه و همه بیان‌گر اصل استکبارستیزی و مقابله با ظالمان و مستکبران از سوی ایشان است.

بنابراین، مقابله با ظلم و استکبارستیزی در جوهره اسلام ناب و هویت تشیع نهفته است. انکار این ماهیت و انتساب آن به آموزه‌های مارکسیستی و یا فرقه زیدی، ناشی از عدم درک صحیح ماهیت اسلام و تشیع است.

• ۲. مردمی که عزت و استقلال برای آنها اهمیت دارد، چگونه راضی به سازش در برابر دشمنی می‌شوند که هویت و عزت و کرامت ایران اسلامی را نشانه رفته و به چیزی جز تسلیم و تحمیل خواسته‌های خود بر آنان راضی نمی‌شود؟! ایرانیان همواره در طول تاریخ ثابت کرده‌اند که هیچ سلطه‌ای را نمی‌پذیرند و همواره از هویت و استقلال خویش حراست می‌کنند. آیا چنین مردمی از مقابله با زیاده‌خواهی‌های دشمنان شرور انقلاب اسلامی که دستان‌شان به خون مردم این مرز و بوم آغشته است، سرباز زده و با چنین دشمنی سازش خواهند کرد؟

علاوه بر اینکه اگر پذیرفتیم، مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان، تکلیف دینی است، عمل به آموزه‌های دین، در گروی خواست و رضایت مردم نیست که اگر مردم نخواستند، حکومت اسلامی از مسئولیت الهی خود سر باز زند؛ گرچه مردم با خواست و همراهی خود، زمینه مقبولیت و برپایی حکومت اسلامی را ایجاد می‌کنند و بدون خواست آنان، حکومت دینی فعلیت پیدا نکرده و تحقق نخواهد یافت؛ اما این بدان معنا نیست که اگر مردم روزی خواستند، چنین تکلیفی از دوش حکومت اسلامی برداشته شود. چنین تصویری از حکومت دینی، دانسته یا نادانسته، تصویری سکولار از حکومت اسلامی است که با ماهیت دینی آن در تعارض است. اگر آموزه‌های دینی را منوط به خواست و رضایت مردم بدانیم، اگر مردم روزی نخواستند، باید دست از اصول و ارزش‌های اسلامی برداریم. آیا با چنین رویکردی، چیزی از حکومت اسلامی باقی خواهند ماند؟

جای تعجب از کسانی است که استکبارستیزی جمهوری اسلامی و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی آمریکا را افراطی دانسته و نسخه سازش و تسلیم در برابر آنها را تجویز می‌کنند؛ اما از کنار رفتارهای مستکبرانه و زورگویانه آمریکا می‌گذرند و بر آن خرده نمی‌گیرند. گویا پایان این مقابله را تنها در کوتاه آمدن کشور ما از ارزش‌ها و اصول اسلامی خود می‌انگارند؛ اما مردم ما نشان داده‌اند تا ندای «هیئات منا الذله» سرور و سالار شهیدان ﷺ در عمق جان‌شان زنده و وطن‌انداز است، عزت و اعتبار خویش را به دنیای مستکبران نخواهند فروخت.

• نتیجه‌گیری

اصل استکبارستیزی بر مبانی عقلی و دینی استوار است و مقابله با ظلم و استکبارستیزی در جوهره اسلام ناب و هویت تشیع نهفته است. تکلیف و شرعی بودن استکبارستیزی، ایجاب می‌کند که منوط به خواست و رضایت مردم نباشد. آموزه‌های دین در گروی خواست و رضایت مردم نیست که اگر مردم نخواستند، حکومت اسلامی از مسئولیت الهی خود سر باز زند. گرچه مردم با خواست و همراهی خود زمینه مقبولیت و برپایی حکومت اسلامی را ایجاد می‌کنند و بدون خواست آنان، حکومت دینی فعلیت پیدا نکرده و تحقق نخواهد یافت؛ اما این، چنین تکلیفی از دوش حکومت اسلامی برداشته می‌شود. چنین تصویری از حکومت دینی، تصویری سکولار از حکومت اسلامی است که با ماهیت دینی آن در تعارض است. اگر آموزه‌های دینی را منوط به خواست و رضایت مردم بدانیم، اگر مردم روزی نخواستند، باید دست از اصول و ارزش‌های اسلامی برداریم، آیا با چنین رویکردی چیزی از حکومت اسلامی باقی خواهند ماند؟

ایستادگی در برابر دشمنی که اصرار به ادامه دشمنی داشته و به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی راضی نمی‌شود، مصداق عزت‌مندی و ایستادگی برای حفظ ارزش‌هاست؛ نه استکبارستیزی افراطی.

دشمنی آمریکا و نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی، به‌دلیل ماهیت اسلامی، استکبارستیزانه و استقلال‌طلبانه آن است و آنها به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، راضی نمی‌شوند و این‌گونه نیست که با عقب‌نشینی و دست برداشتن از یک مسئله، دشمنی آنان با نظام تمام شود.

• منابع

- قرآن کریم
- نهج‌البلاغه
- صحیفه نور، ج ۲۰.

• پی‌نوشت‌ها

- نصیر، مهدی، استکبارستیزی؛ حدود و ملزومات، در لایو اینستارامی با انجمن اسلامی دفتر تحکیم وحدت دانشگاه تبریز.
- سوره فتح، آیه ۲۹؛
- «قاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم»؛ با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چراکه آنها بی‌مانی ندانند. (سوره توبه، آیه ۱۲)؛
- «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولاتعذبوا»؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدّی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. (سوره بقره، آیه ۱۹۰)؛
- «انما ینهاکم الله عن الذین قاتلکم فی الدین واخرجکم من ديارکم وظاهروا علی اخرجکم ان تولوهم ومن یتولهم فاولئک هم الظالمون»؛ شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون رانند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هرکس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است. (سوره متحنه، آیه ۹)؛
- سوره نساء، آیه ۱۴۱؛
- نهج‌البلاغه، خطبه ۳.
- «کنا ظالم خصما وللمظلوم عوناً؛ دشمن ظالم و حامی مظلوم باشیم». (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)
- سوره بقره، آیه ۱۱۰؛
- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷؛
- بیانات در دیدار مردم قم:۱۳۸۱/۱۰/۱۳.

